

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شمی صلواتی
۰۱ مارچ ۲۰۱۹



اگر شاعر بودم

با قلم نویسی ساده
شعری با نام آن زن سلاخی شده
از آن خون ریخته در پارک کودکان سنج
بااشک پنهان آن گم شده فرزند[مادر]
بر در و دیوار شهر حک می کردم

اگر شاعر بودم
با قلم نویس ساده
شعری از درد
بر صعب العبور ترین کوه
از رنج آن کولبران بی باک
یخ زده در دشت های سرفراز فتح
که با درد غلتیدند درخون
پرت شدند از کوه
منجمد در صخره های دور
هم پیمان با مرگ
در گذرگاه های تنگ و تاریک شب
حک می کردم

اگر شاعر بودم
با قلم نویس ساده
شعری از شرم
با تلخترین واژه ها
در وصف معماران خدا می نوشتم
تا زخمهای کهنه
با درد های بی انتها
که در پس کوچه های شهر
بانگاهی به دختران گل فروش خیابانی
کودکان گم شده در میان زباله ها
در انتقام این همه بی حرمتیها !
بر طاق هر ستون از تالارهای
آغشته به خون شهر حک می کردم

اگر شاعر بودم
با قلم نویس ساده
قلبم را با نان گرم از سفره اعیانی
و ذهنم را با قوانین پوچ بردگی
وجودم را با مماشات
یا تن دادن به فاحشگی
و وجدانم را نه با ننگ
بلکه در جنگ با کتابهای بیگانه از شعور
با دروغهای بر گرفته از جعل تاریخ
با بتهای ساخته شده از خدایان واهی
بدور از جنگ در نبرد قلم
را دفن می کردم

ای کاش شاعر بودم
با قلم نویس ساده
رقص لطافتها را
به میدانهای زمخت شهر می بردم
با خط بطلان بر بردگی !
تا مطربان را انعام
و زیبایی ها را به شهر
کودکان را به شادمانی
و معلمان اخلاق را به نظافت شهر

قاضیان را به کاشتن گل
کلاس قضاوت را تعطیل
دفتر اتهام را بایگانی
و چوبهای دار را می شکستم ا

گل سپیده را به عنوان زیباترین گل بر مناره فتح
و بخشی را به عنوان فاتح سعادت
بر بلندترین دیوار حک می کردم حک می کردم
شمی صلواتی